



مقدمه حقوق



دوره ۹ - شماره ۲۸ - تابستان ۱۴۰۵

آثار حقوقی ناشی از گشایش اعتبار اسنادی نسبت به خریدار و ذینفع
همایون مافی، محسن رئیس، احمدرضا امیری لاریجانی
امکان سنجی عدالت کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به اکوساید در چهارچوب تغییرات اقلیمی
سبحان طیبی، ماجده معقولی
تحلیل ماهیت و سازوکار اجرای تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر رویه دیوان در مواجهه با خلأ حقوقی
سمیه رحمانیان، پوریا ابراهیم زاده
منع سوءاستفاده از اضطرار در نظام حقوقی ایران
زینب قادری، عبدالمجید یوسفی، ستار فخرایی
مطالعه تطبیقی شرط انفساخ در حقوق ایران و نهاد انحلال قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
حکیمه محمودسلطانی، مهدی شیخ محمودی
ارکان و مبانی جرم‌انگاری تبانی برای ارتکاب جرم در حقوق کیفری ایران و فرانسه
صابر سیاری زهان
چالش‌های اسناد الکترونیکی در حقوق ایران
محمدرضا عبدی، ساسان وزین پور
نقش دوگانه هوش مصنوعی در مقابله با اطلاعات نادرست و جعل عمیق: چالش‌ها و راهکارها
عاطفه لرججوری، سیداحمد پیروندیزی
ماهیت حقوقی شرط بنایی در فقه امامیه و حقوق ایران؛ تبیین مبانی اعتبار و قلمرو آن در قراردادهای مشارکت مدنی
سیدعلیرضا حسینی، محمدرضا رستمی، طاهره جعفری
بررسی فقهی و حقوقی جایگاه و نقش وصیت اشخاص بلاوارث در تعیین تکلیف دارایی بعد از فوت
سیده نازنین موسوی
مبانی، شرایط و آثار قراردادهای تأمین کیفری متهم در نظام کیفری ایران
کامران رحیمی سکه روانی
بررسی فقهی بطلان معاملات در قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
مهدی رجائیان، جعفر قجه بیگلر
بزه دیدگی اطفال و نوجوانان در فضای سایبری و متاورس: مروری بر شناخت علل تا راهکارهای پیشگیری و مقابله با آن
جواد چراغی
تحلیل نقش‌های حمایتی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در زمینه تسهیل و صیانت از تجارت بین‌المللی
اسماعیل چوگانی
کارکرد سیاست جنایی دادستانی در پیشگیری و تعقیب جرائم ناقض حقوق عامه
وحید کیومرثی
مطالعه تطبیقی قاعده استقلال شرط دآوری در حقوق ایران، فرانسه، انگلستان و قانون نمونه آنسیترال؛ نظریه‌ها و رویه‌ها
سعید جوهر
وضعیت معاملات مجنون ادواری در حقوق ایران و انگلستان
امیرمحمد توکلی، ستایش حاج رجبعلی طهرانی، فاطمه اله وردی، امیررضا نقروی
تأثیر قوانین سختگیرانه بر رفتارهای مرتبط با خرید و فروش مواد مخدر
حمیدرضا قناعتیان
نقش صلح آمیز انرژی هسته‌ای در حقوق ایران و نظام بین‌الملل با رویکرد جدید
مجاهد امیری، فاطمه اصغرزاده شیرازی
تأثیر فناوری‌های نوین، هوشمندسازی و تحول دیجیتال در اجرای قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
نگار فولادی، وجیهه محسنی
تحلیل جرم شناختی قاچاق کالا در استان هرمزگان
احمد پدیدار، محمد کمالی
قرارداد هوشمند در نظام حقوقی ایران
مهدی صالحی زاده
چالش‌های حقوقی دولت الکترونیک و مسئولیت مدنی دولت
سعید سردشتی بیرجندی
اصل بی طرفی تحصیل دلیل در فرآیند دادرسی کیفری ایران
محمدحسن ملک محمدی
تحلیل کیفی مبانی و قلمرو مسئولیت کیفری در ارتکاب جرائم ناشی از سندرم پای بی قرار: تعامل اختلال عصبی-حرکتی با
ارکان تقصیر و قابلیت انتساب
زهره عنالوی اصفهانی
نسبت قاعده و استثناء در حقوق مدنی ایران: با تأکید بر اصل لزوم قراردادهای و موارد خروج از آن
امیررضا علی تبار
نهادسازی اساسی: ثبت‌نام در ارتش و حبس دسته‌جمعی در ایالات متحده آمریکا
برایان سایکز، امی کیتی بابلی، یاسر شاکری



The Legal Status of Transactions of Periodically Insane Persons in the Law of Iran and England

Amirmohammad Tavakoli

PhD student in Private Law, Islamic Azad University, UAE Branch, Dubai, UAE (Corresponding Author)

Setayesh Haj Rajabali Tehrani

Bachelor of Law Student, Islamic Azad University, Islamshahr Branch, Islamshahr, Iran

Fatemeh Allahverdi

Bachelor of Law Student, Islamic Azad University, Islamshahr Branch, Islamshahr, Iran

Amirreza Noghravi

Bachelor of Law Student, Islamic Azad University, Islamshahr Branch, Islamshahr, Iran

وضعیت معاملات مجنون ادواری در حقوق ایران و انگلستان

امیرمحمد توکلی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات متحده عربی، دبئی، امارات متحده عربی (نویسنده مسئول)

amirmohamad.tavakoli@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0004-1283-5475>

ستایش حاج رجبعلی طهرانی

دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، اسلامشهر، ایران
setayesh15t@gmail.com

فاطمه اله وردی

دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، اسلامشهر، ایران
fatemehallahverdi@gmail.com

امیررضا نقروی

دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، اسلامشهر، ایران
rezanoghravi@gmail.com

Abstract

Transactions entered into by persons suffering from periodic insanity during intervals in which there is uncertainty as to whether they were in a state of insanity or lucidity have consistently been regarded as one of the most challenging issues in Iranian jurisprudence and law. This study, employing a descriptive-analytical method and a comparative approach, examines the legal status of such transactions in Iranian law, with particular reference to judicial precedents, divergent doctrinal views, and juristic opinions, as well as in the legal system of England. The findings indicate that Iranian courts have issued considerably divergent rulings regarding the validity of transactions concluded by periodically insane persons. While some judgments have held such transactions to be void, others have recognized their validity when concluded during periods of lucidity. Nevertheless, the Supreme Court of Iran, through a judicial decision, has presumed the continuance of insanity and, relying on the doctrine of Istishab, has analyzed this category of transactions accordingly. Legal doctrine has likewise advanced differing viewpoints on this issue, ranging from acceptance of the presumption of continuing insanity to the requirement of establishing the individual's state of awareness and lucidity at the time of the transaction. In the legal system of England, a more flexible approach has been adopted under the doctrine of voidable contracts, whereby the matter is assessed from a psychiatric and case-specific perspective. Rather than relying on presumptions of continuity, English law considers the individual's mental capacity at the precise moment of contract formation as the decisive criterion.

Keywords: Periodic Lunacy, Principle of Validity, Principle of Estishab, Capacity.

چکیده

معاملات شخص مجنون ادواری در دوران شک میان حالت جنون و افاقه، همواره یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل در فقه و حقوق ایران به شمار می‌رود. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی، وضعیت حقوقی این معاملات را در حقوق ایران، با تکیه بر آرای موجود در رویه قضایی، دیدگاه‌های متفاوت دکترین حقوقی و نظرات فقهاء، همچنین در نظام حقوقی انگلستان مورد بررسی قرار داده است. یافته‌ها حاکی از آن است که در محاکم ایران درباره وضعیت معاملات مجنون ادواری، تعدد آراء قابل توجهی وجود دارد؛ به گونه‌ای که برخی آراء قائل به بطلان و برخی دیگر قائل به صحت معاملات در دوران افاقه هستند. با این حال، دیوان عالی کشور با صدور دادنامه‌ای اصل را بر جنون نهاده و با تکیه بر قاعده استصحاب به تحلیل این دسته از معاملات پرداخته است. دکترین حقوقی نیز دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه ارائه کرده‌اند که از پذیرش استصحاب جنون تا لزوم احراز حالت هوشیاری متغیر است. در نظام حقوقی انگلستان، رویکردی انعطاف‌پذیر ذیل مفهوم قراردادهای قابل ابطال اتخاذ شده که از منظر روانپزشکی و به صورت پرونده‌محور به موضوع می‌نگرد و به جای اعتماد به استصحاب، وضعیت ذهنی فرد را در لحظه انعقاد عقد ملاک قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: جنون ادواری، اصل صحت، اصل استصحاب، اهلیت.

ارجاع:

توکلی، امیرمحمد؛ حاج رجبعلی طهرانی، ستایش؛ اله وردی، فاطمه؛ نقروی، امیررضا؛ (۱۴۰۵)، وضعیت معاملات مجنون ادواری در حقوق ایران و انگلستان، تمدن حقوقی، شماره ۲۸.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

اهلیت از ارکان اساسی صحت معاملات در نظام حقوقی ایران است. مطابق ماده ۱۹۰ قانون مدنی، یکی از شرایط اساسی برای صحت هر معامله، اهلیت طرفین آن است. قانون‌گذار در ماده‌های ۲۱۱ و ۲۱۲ قانون مدنی، اهلیت را منوط به بلوغ، عقل و رشد دانسته و معاملات اشخاص فاقد این شرایط را به دلیل فقدان اهلیت باطل اعلام کرده است. در این میان، «عقل» به عنوان یکی از عناصر بنیادین اهلیت، نقش تعیین کننده‌ای در اعتبار اعمال حقوقی ایفاء می کند و در مقابل آن، «جنون» قرار دارد که موجب حجر شخص و سلب توانایی انجام اعمال حقوقی می شود. با وجود اهمیت این مفهوم، در حقوق ایران تعریف جامع و دقیقی از جنون ارائه نشده و بیشتر به تقسیم بندی آن بسنده شده است. در فقه امامیه نیز تعریف ماهوی روشنی از جنون دیده نمی شود و غالباً به نشانه ها و آثار آن پرداخته شده است. در مقابل، در علم پزشکی، اصطلاح «جنون» به کار نمی رود و این واژه بیشتر مفهومی عرفی است که بر طیفی از اختلالات روانی دلالت دارد. این تفاوت رویکرد میان فقه، حقوق و پزشکی، بر پیچیدگی تحلیل وضعیت حقوقی اشخاص مبتلا به اختلالات روانی افزوده است.

فقها و حقوقدانان ایرانی جنون را به دو نوع دائمی و ادواری تقسیم کرده اند. درخصوص مجنون دائمی، تردیدی وجود ندارد که کلیه معاملات و اعمال حقوقی او به دلیل فقدان مستمر قوه تمیز و

اراده، باطل است. اما چالش اساسی درخصوص «مجنون ادواری» مطرح می‌شود؛ شخصی که به‌طور متناوب در حالت جنون و افاقه قرار می‌گیرد. بدیهی است اعمال حقوقی وی در دوره جنون باطل است، لیکن مسئله اصلی، اعتبار معاملات او در دوره افاقه است. مطابق ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی، تصرفات و اعمال حقوقی مجنون ادواری در صورتی نافذ است که در حال افاقه انجام شده باشد و افاقه نیز باید به اثبات برسد. از ظاهر این حکم چنین بر می‌آید که قانون‌گذار اصل را بر بقای جنون نهاده و اثبات افاقه را بر عهده مدعی آن قرار داده است. در نتیجه، در صورت بروز اختلاف، شخصی که مدعی صحت معامله است باید افاقه مجنون را در زمان انعقاد عقد اثبات کند، درحالی‌که استنادکننده به حجر، تکلیفی بر اثبات استمرار جنون ندارد.

در این میان، پرسش اساسی آن است که در صورت تردید و فقدان دلیل قاطع، اصل حاکم چیست؟ آیا باید اصل را بر وقوع معامله در حال جنون دانست یا بر انجام آن در حال افاقه؟ به بیان دیگر، تعارض میان «اصل صحت معاملات» و «اصل بقای حجر» چگونه باید حل شود؟ پاسخ به این پرسش، آثار عملی گسترده‌ای در امنیت معاملات، حمایت از اشخاص ثالث و نیز صیانت از حقوق افراد مبتلا به اختلالات روانی دارد. ازسوی دیگر، بررسی این موضوع در پرتو حقوق انگلستان و به‌ویژه مقررات مربوط به اهلیت ذهنی^۱ می‌تواند افق تازه‌ای در تحلیل مبانی و کارکرد قواعد مربوط به حجر بگشاید و نقاط اشتراک و افتراق دو نظام حقوقی را در مواجهه با مسئله جنون ادواری روشن سازد.

مسئله اصلی این پژوهش، تبیین ماهیت حقوقی و اعتبار اعمال حقوقی مجنون ادواری در دوره افاقه و تعیین اصل حاکم در موارد تردید است. با وجود تصریح ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی به نفوذ تصرفات مجنون ادواری در حال افاقه، قانون‌گذار معیار روشنی برای تشخیص افاقه و نحوه جمع میان اصل صحت معاملات و اصل بقای حجر ارائه نکرده است. ابهام در تعیین بار اثبات، قلمرو اعتبار نظریه‌های پزشکی قانونی، نقش رویه قضایی و میزان حمایت از اشخاص ثالث با حسن نیت، از جمله مسائلی است که در عمل موجب تعارض و اختلاف می‌شود. افزون بر این، تفاوت مبانی فقهی و

1- Mental Capacity

رویکردهای نوین حقوقی در تحلیل مفهوم اهلیت ذهنی، ضرورت بازخوانی و تحلیل تطبیقی این نهاد حقوقی را آشکار می‌سازد.

بر این اساس، پژوهش حاضر در پی آن است که با تحلیل دیدگاه‌های فقه امامیه، نظرات دکترین حقوقی، آراء وحدت رویه و مقررات قانونی و با مقایسه آن با رویکرد حقوق انگلستان، چهارچوبی منسجم برای ارزیابی اعتبار معاملات مجنون ادواری ارائه دهد و راهکارهایی جهت ایجاد تعادل میان حمایت از محجور و تأمین امنیت معاملات پیشنهاد کند. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی انجام شده است. داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای شامل کتب فقهی، آثار دکترین حقوقی، قوانین و آراء قضایی گردآوری و با تحلیل منطقی و تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱- مفهوم‌شناسی جنون

جنون از مفاهیم بنیادین در فقه و حقوق اسلامی است که تأثیر مستقیمی بر اهلیت اشخاص، صحت اعمال حقوقی و مسئولیت کیفری آنان دارد. با وجود اهمیت فراوان این مفهوم، در منابع فقهی و حقوقی تعریف واحدی از آن ارائه نشده و تشخیص مصادیق آن عمدتاً به عرف و قضاوت واگذار شده است.

۱-۱- مفهوم لغوی جنون

واژه «جنون» در زبان عربی از ریشه «جَنَّ» به معنای پنهان ماندن چیزی از حس مشتق شده است. از باب صفت به معنی تاریکی^۲، پرده و مانع^۳ و پوشانده^۴ در آیات قرآن کریم و نهج البلاغه معنی شده است. به انسان دیوانه از این جهت «مجنون» گفته می‌شود که چیزی میان عقل و نفس او حائل می‌شود و عقل او را می‌پوشاند. در زبان فارسی، جنون به معنای دیوانگی و زائل شدن عقل به کار می‌رود.

۲- آیه شریفه ۷۶ سوره مبارکه انعام

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۵

۴- آیه شریفه ۱۶ سوره مبارکه مجادله

جرجانی از قاضی ابویوسف نقل کرده است که جنون، تباهی خرد است، به گونه‌ای که آدمی از روند عادی و خردمندانه گفتار و رفتار، جز در موارد نادر، باز می‌ماند. تهانوی نیز جنون را اختلال در قوه تشخیص خوب و بد دانسته است (تهانوی، ۱۳۷۵، ۲۶۶).

۲-۱- مفهوم اصطلاحی جنون در فقه

منابع فقهی متقدم، چه شیعه و چه اهل سنت، کمتر به تعریف دقیق جنون پرداخته‌اند و ظاهراً مفهوم عرفی آن را آشکار می‌دانسته‌اند (مزنی، ۱۴۱۹ق، ۱۷۶). بیشتر فقها مجنون را با اصطلاحات فقهی همچون و هواختلال العقل، زائل العقل و فساد عقل (حلی، ۱۴۲۰ق، ۵۴۱) تعبیر کرده‌اند. در برخی احادیث منقول از امامان شیعه علیهم‌السلام، از مجنون با تعبیری چون «المغلوب علی عقله»^۵ یاد شده است (کلینی، ۱۳۶۳، ۵۶۷).

فقه‌های شیعه تعبیر مختلفی از جنون ارائه داده‌اند: شیخ طوسی مجنون را با تعبیر «زائل العقل»^۶ تعریف کرده است (طوسی، ۱۴۰۰ق، ۵۰۹). محقق حلی جنون را با تعبیر «فساد عقل» توضیح داده است (حلی، ۱۳۶۷، ۵۴۱). علامه حلی می‌نویسد: «الجنون هو فساد العقل»^۷ (حلی، ۱۴۲۰ق، ۲۸). شهید ثانی می‌گوید: «الجنون فنون و الجامع لها فساد العقل علی‌ای وجه کان»^۸ (شهید ثانی، ۱۴۲۷ق، ۱۷).

فاضل مقداد (فاضل مقداد، ۱۳۷۳، ۱۷۹)، فاضل هندی (فاضل هندی، ۱۴۰۵ق) و سیدعلی طباطبائی (طباطبائی، ۱۴۱۸ق، ۱۳۴) جنون را فساد مستقر و تباهی تثبیت‌شده عقل دانسته‌اند، نه آن‌گونه فساد و تباهی که از سر اشتباه یا سهو یا بی‌هوشی عارضی پدید می‌آید و به سرعت زائل می‌شود. البته برخی فقه‌های پیش از ایشان، مانند فخرالمحققین، قید «استقرار» را در تعریف جنون نیاورده‌اند، ولی آن را شرط جنونی ذکر کرده‌اند که آثار فقهی دارد، مانند بطلان معامله یا قابل فسخ بودن عقد نکاح

۵- کسی که عقلش مغلوب شده

۶- کسی که عقلش زائل شده

۷- جنون تباهی عقل است

۸- جنون اقسامی دارد و جامع بین آن‌ها فساد عقل است به هر کیفیت که باشد

(فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ۱۷۵).

۳-۱- دیدگاه فقهای اهل سنت

فقیهان و مؤلفان اهل سنت نیز جنون را همانند فقهای گذشته تعریف کرده‌اند که با نوعی ابهام آمیخته است (عوده، ۱۳۷۳، ۵۸۵) و (زحیلی، ۱۴۰۹ق، ۱۲۸). سیوطی از ابواسحاق شیرازی نقل کرده که جنون به معنای زوال عقل است، یعنی تباه شدن قوه تشخیص امر شایسته از ناشایسته، به گونه‌ای که غالباً امید به بهبود آن وجود ندارد. شمس‌الائمه سرخسی از فقیهان برجسته حنفی نیز جنون را «فساد عقل» معنا کرده است (شمس‌الائمه سرخسی، ۱۴۰۶ق، ۱۵۶).

۴-۱- مفهوم جنون در حقوق ایران

در قوانین حقوقی و کیفری ایران مقرراتی درباره جنون ذکر شده، قانون‌گذار به‌طور صریح و واضح جنون را تعریف نکرده است. در قانون مدنی تعریفی از جنون و اشاره‌ای به ویژگی‌های آن نشده است ولیکن در ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره شده است که مرتکب اگر به اختلالات روانی مبتلا باشد به گونه‌ای که اراده یا قوه تمیز او سلب شده باشد، مجنون محسوب می‌شود. بایستی به این نکته توجه کرد که هر شخصی که به اختلالات روانی دچار است، مجنون محسوب نمی‌شود. این نکته را می‌توان از عبارت «اختلال روانی در صورتی که به حد جنون نرسد» که در قانون مذکور وجود دارد، استنباط کرد.^۹

برخی حقوقدانان مفهوم جنون را چنین تبیین کرده‌اند، شخصی که صفت جنون را دارا است، توانی در بازشناختن مرز میان خوبی و بدی و سودوزیان ندارد (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۴، ۲۰۷). از دیدگاه دکترین دیگر جنون یک عارضه دماغی تعریف شده است. به گونه‌ای که این عارضه دماغی سبب می‌شود، اعمال شخص بدون درک و آگاهی وجدان او از اعمال خود و دریغ از اراده‌ای، انجام شود (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ۱۲۱). مفهوم جنون از دید سایر حقوقدانان به معنای صفت شخصی که تعادل

۹- ماده ۶۷۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

عقلی ندارد و یا فاقد قوه عقل و مبتلا به اختلال کامل قوای دماغی است، تعبیر می‌شود (امامی، ۱۴۰۴، ۲۱۴) و (صفایی و حسینی، ۱۴۰۴، ۱۳۱).

در نتیجه بررسی نظرات مذکور، می‌توان جنون را اختلالی در قوای دماغی تعبیر کرد که در نتیجه آن مجنون تعادل عقل خود را از دست می‌دهد و دیگر قدرت تشخیص و اراده و درک اعمال را ندارد. این چنین می‌توان به این نکته پی‌برد که همه مجانین اختلال روانی دارند ولیکن هر شخصی که اختلال روانی دارد مجنون محسوب نمی‌شود. با بررسی ماده‌های قانونی و نظرات برخی دکترین معاصر، مسلم است که در قوانین و نظرات موجود هیچ تعریف دقیقی از جنون وجود ندارد. در صورتی که نیاز به تشخیص فرد عاقل از مجنون باشد، قضات با مراجعه به تعاریف کلی و مختصر دکترین از جنون و رجوع به عرف و در صورت نیاز با مشورت روانپزشک، جنون را تشخیص می‌دهند. به‌طور مثال زمانی که درجه اختلال از دید عرف، آشکار نیست ولیکن در اراده و درک شخص از اعمال خود تأثیر دارد.

۲- اقسام جنون

۲-۱- اقسام جنون در حقوق ایران

در فقه و حقوق ایران و با استنباط از ماده‌های ۱۲۱۳ و ۱۲۱۸ قانون مدنی جنون از دو جهت زمان مبتلا و دوام آن تقسیم‌بندی شده است. بر اساس زمان مبتلا، جنون به دو دسته متصل به زمان کودکی یا عدم اتصال به زمان کودکی تقسیم شده است. از جهت دوام، جنون به دائمی و ادواری تقسیم می‌شود. در قانون ایران از جنون تعریف دقیق و واضحی ارائه نشده لذا تعاریفی که از این دسته بندی‌ها و زیرمجموعه آن‌ها ارائه می‌شود، استنباط از نظر فقها و دکترین حقوق می‌باشد.

جنون متصل به زمان کودکی یا عدم اتصال به زمان کودکی: شارع از جهت نصب قیم این تقسیم‌بندی را انجام داده است. این تقسیم‌بندی در اعمال و احکامی که برای معاملات مجنون صادر شده است، تأثیری ندارد. جنون متصل به صغر یعنی صغیر هنگام رسیدن به سن بلوغ به آن مبتلا باشد.

مجانینی که جنون آن‌ها متصل به دوران صغر آن‌ها است اگر ولی خاص نداشته باشند، به نصب قیم احتیاج دارند. مجانینی که جنون آن‌ها متصل به زمان صغر نیست، این افراد بعد از رسیدن به سن بلوغ به جنون دچار شده‌اند. برای گروه دوم در صورت وجود ولی خاص نیز، همچنان نیاز به نصب قیم است. هر دو گروه مذکور محجورند و توانایی انجام حقوقی و تصرف در اعمال خود را ندارند.

معجون دائمی و معجون ادواری: معجون دائمی به جنونی مستمر و پیوسته دچار است. جنون در این شخص همیشه وجود دارد لذا هرگز نمی‌تواند از قوه عقل خود بهره‌برد چرا که اختلال در قوای دماغی این شخص همواره وجود دارد. شدت و ضعف جنون در معجون دائمی با معالجه کنترل می‌شود اما از بین نمی‌رود. اعمال حقوقی این افراد مطلقاً باطل است ولو به اذن ولی یا قیم خود.^{۱۰} معجون ادواری یا معجون دوره‌ای، گاهی به جنون دچار است و گاهی به حالت افاقه باز می‌گردد. ظهور این حالت قابل تکرار است. جنون ادواری در اصطلاح به معنای جنونی متناوب و غیرمداوم است. معجون ادواری زمانی که به جنون دچار است از منظر علم حقوق همانند جنون دائمی، قدرت درک، اراده و فرمان عقل خود را از دست می‌دهد ولیکن زمانی که در حالت افاقه قرار دارد، قدرت درک و اراده دارد و رفتار او به فرمان عقلش است. اعمال و تصرفات حقوقی این دسته از مجانین مسئله اصلی این پژوهش است که در ادامه بررسی می‌شود.

۲-۲- رویکرد روانپزشکی و پزشکی قانونی به جنون

در ادبیات پزشکی، واژه «جنون» کاربرد علمی ندارد و اصطلاحی عرفی و حقوقی شمرده می‌شود. روانپزشکان بسته به نوع و شدت اختلال، از مفاهیمی مانند اسکیزوفرنی، اختلال دوقطبی^{۱۱}، اختلال هذیانی و سایر سایکوزها استفاده می‌کنند و هدف آن‌ها ارزیابی توانایی شناختی و قضاوت فرد در لحظه انجام عمل است (سادوک و همکاران، ۱۴۰۰، ۴۸۹). در این میان، پزشکی قانونی پلی میان بالین

۱۰- ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی

۱۱- افسردگی-شیدایی

و حقوق است و وظیفه‌اش تشخیص این موضوع است که آیا شخص در زمان معامله یا ارتکاب عمل حقوقی، از قدرت تمیز و اراده آگاهانه برخوردار بوده یا خیر؟

در پزشکی قانونی ایران، ملاک اصلی برای تشخیص افاقه، بررسی توانایی فرد در درک ماهیت و آثار عمل است. به این منظور، پزشک با بررسی سوابق درمانی، مصاحبه بالینی، بررسی مستندات و گاهی انجام تست‌های تشخیصی مشخص می‌کند که آیا فرد در مقطع مورد نظر دچار علائمی همچون هذیان، توهم، اختلال شدید تفکر یا فقدان قضاوت بوده است یا خیر؟ پزشکی قانونی همچنین از معیارهای بین‌المللی^{۱۲} برای طبقه‌بندی و تشخیص اختلالات استفاده می‌کند، اما در نهایت نظر کارشناسی او در قالب «تشخیص افاقه یا عدم افاقه» به دادگاه ارائه می‌شود. هرچند این نظر برای دادگاه جنبه کارشناسی دارد و الزام‌آور نیست، رویه قضایی در دعاوی ابطال معاملات مجنون ادواری به‌طور معمول از آن تبعیت می‌کند، مگر آن‌که قرائن خلاف آن را اثبات کند.

۳- مبانی فقهی حجر مجنون

۳-۱- ادله قرآنی

آیه شریفه پنجم سوره مبارکه نساء^{۱۳}: منظور از السُّفَهَاء، سفیهان است؛ سفیه کسی است که عقل در او رشد نکرده و در امور خود، به‌ویژه امور مالی، تدبیر و صلاح‌اندیشی ندارد. این واژه در مقابل «عاقل» و «رشید» قرار می‌گیرد. طبق روایات، این واژه مصادیق وسیعی دارد. افزون بر افراد کم‌خرد، افراد شراب‌خوار، فاسق و کسانی که مورد اطمینان نیستند نیز در این دسته قرار می‌گیرند. این نشان می‌دهد که ملاک، صرفاً کم‌عقلی ذاتی نیست، بلکه بی‌بندوباری و عدم امانت‌داری نیز سفیه محسوب می‌شود. عبارت اَمْوَالِكُمْ شامل کلیه دارایی‌های فردی و حتی جمعی^{۱۴} می‌شود. نکته مهم این است که این اموال صرفاً متعلق به فرد نیستند، بلکه «اَمْوَالِكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» یعنی اموالی که خداوند

۱۲- مانند DSM-5 و ICD-10

۱۳- وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ اَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا

۱۴- اموال عمومی

آن‌ها را وسیله قوام و استواری زندگی شما قرار داده است. این تأکید، بعد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در قبال اموال را برجسته می‌کند.

واژه قیاما بیانگر نقش حیاتی مال در حفظ و برپایی زندگی فردی و اجتماعی است. مال، ستون فقرات اقتصاد و مایه دوام جامعه و دین انسان است. اگر مال در دست ناصالحان قرار گیرد، این ستون فرو می‌ریزد و کل بنا متزلزل می‌شود. ارزُقُوهُمْ فیها، اکسُوهُمْ، قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ این بخش، دستورالعمل اجرایی و جنبه رحمانی و تربیتی آیه است. با وجود این که مال نباید مستقیماً در اختیار سفیه قرار گیرد، اما مسئولیت تأمین معاش، پوشاک و رفتار شایسته همچنان بر عهده سرپرست یا ولی او است. حفظ کیان جامعه؛ سپردن مسئولیت‌های مالی، به‌ویژه در سطوح مدیریتی و عمومی، به افراد سفیه^{۱۵} خیانت به جامعه و اصول اقتصادی اسلام است. آیه یک توازن ظریف میان انضباط^{۱۶} و شفقت^{۱۷} برقرار می‌کند. این سیره، در بسیاری از احکام اسلامی مشهود است.

۲-۳- اجماع و سیره عقلاء

اجماع در فقه امامیه از مهم‌ترین مستندات اثبات حجر مجنون به شمار می‌رود. فقیهان، با اتکاء به اتفاق نظر موجود در متون فقهی، تصرفات مجنون را به دلیل فقدان اهلیت و اختلال در اراده معتبر ندانسته‌اند. این اجماع، هرچند در تحلیل نهایی به رأی معصوم باز می‌گردد، نشان‌دهنده پذیرش گسترده این قاعده در فقه امامیه است که شخص فاقد قوه تمیز، صلاحیت ایجاد آثار حقوقی الزام‌آور را ندارد (نجفی، ۱۴۳۰ق، ۱۶۹). سیره عقلا نیز بر بی‌اعتباری تصرفات مجنون استوار است. بنای عقلای جامعه بر آن است که معاملات و تصمیم‌های حقوقی تنها از کسی پذیرفته می‌شود که از درک و اراده متعارف برخوردار باشد. ازاین‌رو، هرگاه فقدان عقل یا اختلال جدی در قوای ادراکی شخص احراز شود، عقلاً آثار حقوقی مستقل برای گفته و فعل او قائل نمی‌شوند. همین بنای عقلایی،

۱۵- افرادی که صلاحیت، امانت‌داری یا تدبیر لازم را ندارند

۱۶- جلوگیری از دسترسی مستقیم سفیه به مال

۱۷- تأمین نیازهای او و رفتار نیکو

در فقه به عنوان مؤیدی بر لزوم اهلیت و مانعیت جنون از نفوذ تصرفات شناخته شده است (محقق داماد، ۱۴۰۴، ۱۲۹).

۳-۳- عقاید فقهای امامیه

مسئله اصلی در این بحث آن است که آیا اصل صحت در فرض تردید نسبت به اهلیت متعاقدين نیز جاری می شود یا خیر؟ اختلاف نظر در این زمینه از آن رو است که مستند و مبنای قاعده اصالة الصحة و نیز گستره دلالت آن مورد اختلاف است. چنان چه مستند این قاعده اجماع دانسته شود، همان گونه که برخی اصولیان بر آن اند، نمی توان برای محل انعقاد اجماع اطلاقی قائل شد که اصل صحت را در تمام موارد مشکوک صحت و فساد معامله جاری نمود؛ بلکه قدر متیقن از آن، مواردی است که شک در صحت و فساد، ناشی از تردید در تأثیر عقد پس از احراز سلطه متعاقدين بر تصرف باشد، زیرا اهلیت طرفین در موضوع قاعده اخذ شده و تا زمانی که این موضوع احراز نشود، تمسک به اصل صحت وجهی ندارد (نائینی، ۱۳۷۶، ۶۵۸). باین حال، حضرت امام خمینی (ره) محل انعقاد اجماع را عام دانسته و اصل صحت را در موارد شک در عقود، از جمله در فرض تردید نسبت به اهلیت متعاقدين و قابلیت نقل و انتقال عوضین، جاری می داند (موسوی خمینی، ۱۴۱۰ق، ۳۲۵). بر این اساس، در معاملات مجنون ادواری، ملاک، وضعیت عقلانی شخص در زمان انعقاد عقد است؛ بنابراین، معامله او در دوره افاقه صحیح و نافذ و در زمان جنون باطل است.

به عقیده شیخ انصاری، اصالة الصحة در تمامی موارد جریان دارد و احراز شرایط خاصی برای اعتبار معامله ضرورت نمی یابد. حتی در فرض شک در قابلیت عوضین، باز هم اصل صحت قابل اعمال است. ایشان مستند این نظر را سیره قطعی عقلایی می دانند که مقتضای آن ترتیب آثار قانونی بر معاملات عرفی و حمل آن ها بر صحت است. علاوه بر این، در صورت تردید در صلاحیت طرف معامله، این موضوع از طریق قاعده ید احراز می شود؛ بدین معنا که استیلای ظاهری شخص بر مال، صلاحیت او را برای تصرف اثبات می کند، نه آن که صرفاً به استناد اصل صحت، معامله را صحیح

فرض کنیم. به عبارت دیگر، قاعده ید منشأ اثبات اهلیت یا صلاحیت است و اصل صحت در این مرحله نقشی مستقل ندارد (اسدی، ۱۳۹۷، ۵۴۲).

۴- وضعیت اعمال حقوقی مجنون ادواری

در بین حقوقدانان معاصر و فقها واجد اهلیت بودن مجانین ادواری در اعمال حقوقی و اعتبار معاملات آنان، مسئله‌ای پرچالش و اختلافی می‌باشد.

۴-۱- دیدگاه قانون‌گذار

اولین و مهم‌ترین نظری که باید بررسی شود نظر قانون‌گذار است. نظر قانون‌گذار این است که مجنون دائمی مطلقاً و مجنون ادواری در حال جنون قادر به تصرف در اموال و حقوق مالی خود نیست ولو با اجازه ولی یا قیم خود و درخصوص اعمال حقوقی مجنون ادواری اشاره کرده است که اعمال وی در حالت افاقه نافذ است مشروط بر آن که افاقه او مسلم باشد. شایان ذکر است که قانون‌گذار اصل را بر باطل بودن اعمال حقوقی مجنون ادواری می‌داند چرا که خلاف این اصل یعنی نافذ شمردن معاملات وی نیاز به احراز افاقه مجنون دارد.^{۱۸}

۴-۲- دیدگاه دکترین

برخی از حقوقدانان معتقدند یکی از شروط مجنون تلقی کردن افراد، محرز شدن جنون آن‌ها در نزد مقامات قضایی است (صفایی و حسینی، ۱۴۰۴، ۱۳۹). می‌توان چنین استنباط کرد که اگر به‌طور مثال در دعوایی یکی از طرفین معامله ادعای جنون طرف مقابل را کند و بر حسب آن اجرای احکام موجود در قانون مدنی که درباره اعمال حقوقی مجنون ادواری است را از محکمه تقاضا کند، در این صورت اگر اماراتی وجود نداشته باشد مثل حکم حجر یا سابقه بستری یا... در این صورت دادگاه اصولاً ابتدا جنون را یک ادعا تلقی کرده و درخواست احراز آن را سوی مدعی می‌کند. لذا بعد از احراز جنون توسط مدعی، دادگاه مدعی علیه را مجنون دانسته و بر حسب احکام موجود در مورد

مجانین ادواری حکم صادر می‌کند. معاملات مجانین ادواری که جنون آن‌ها در نزد دادگاه محرز شده با استنباط از فراز دوم ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی محکوم به بطلان است، مگر حالت افاقه وی در زمان انجام معامله مسلم و محرز شود (صفایی و حسینی، ۱۴۰۴، ۱۴۲).

از منظر برخی دکترین^{۱۹} اصل صحت در معاملات مجنون ادواری جاری نمی‌شود. دلیل این نظر این است که شرط اجرای این اصل وقوع عرفی عقد می‌باشد و از آن جا که طرفین یا یکی از آن‌ها به جنون از نوع ادواری دچار است لذا در زمان وقوع عقد وضعیت جنون یا افاقه وی نامشخص است و در زمان نامشخص بودن وضعیت، اصل بر جنون است و شخص فاقد اهلیت تلقی می‌شود. از این رو، اهلیت داشتن طرفین معامله که یکی از شروط اساسی عقد می‌باشد، در زمان وقوع عقد محرز نیست و در نتیجه این موضوع سبب این نظر می‌شود که عقدی منعقد نشده است که در آن اصل صحت قراردادها جاری شود. لازم به ذکر است که اصل استصحاب نیز در مورد وضعیت جنون یا افاقه شخص جاری نمی‌شود. مسبب این نظر، تداخل ارکان استصحاب و وضعیت نامشخص، مجنون ادواری می‌باشد. اصل استصحاب متشکل از دو رکن یقین سابق و شک لاحق است و در مورد شخص مجنون ادواری یقین سابق وجود ندارد چرا که ممکن است هم در حالت افاقه باشد و هم در حالت جنون و وضعیت وی در گذشته نامعلوم است. این وضعیت موجب شک در اساس و پایه اصل استصحاب شده و در نتیجه مانع از جاری شدن این اصل می‌شود. ولیکن اشاره شده است که با استصحاب در مالکیت سابق یا عدم انتقال مال می‌توان حکم به بطلان معامله داد (صفایی و حسینی، ۱۴۰۴، ۱۴۲).

در زمان بروز اختلاف از نظر حقوقدانان دیگر^{۲۰}، زمانی معامله باطل شناخته می‌شود که شخص منتفع از بطلان احراز کند که معامله در زمان جنون منعقد شده است و صرف اثبات این که طرف مقابل به جنون ادواری دچار بوده برای بطلان معامله کافی نیست چرا که ممکن است معامله در زمان افاقه مجنون ادواری منعقد شده باشد (امامی، ۱۴۰۴، ۲۱۴). از این رو، اشاره شده که بنا به اصل صحت

۱۹- دکتر صفایی

۲۰- دکتر امامی

قراردادها^{۲۱} هر معامله‌ای که واقع شده باشد، اصل بر صحت است مگر فساد آن معامله مسلم شود. در واقع بنا به نظر دکتر امامی برخلاف سایرین، اصل صحت در معاملات مجنون ادواری جاری می‌شود. جنون از دلایل بطلان معامله محسوب نمی‌شود مگر آن که حکم جنون وی قبل از وقوع معامله صادر شده باشد یا پس از معامله جنون معامله‌کننده در زمان انعقاد معامله احراز شود (امامی، ۱۴۰۴، ۲۱۵).

۳-۴- بررسی روبه قضایی

شعبه دهم دیوان عالی کشور به موجب دادنامه ای^{۲۲} درخصوص معاملات مجنون ادواری مقرر کرده است در صورت وجود یقین بر جنون ادواری فرد، اهلیت استیفای او با توجه به استصحاب نمودن سلامت وی و حمل بر صحت نمودن معاملاتش دارای وجاهت قانونی است زیرا پس از تحقق جنون ادواری، وضعیت حجر وی استصحاب گردیده و مدعی افاقه می‌بایست حالت افاقه حین عقد را اثبات کند. اگرچه در عقود و اهلیت متعاملین استصحاب می‌شود اما جاری شدن این اصل تا زمانی استصحاب می‌شود. در عقود و معاملات زمانی اهلیت طرفین استصحاب می‌شود که حکم حجر صادر نشده باشد. صدور حکم حجر حتی به جنون ادواری استصحاب اهلیت طرفین را متزلزل می‌کند لذا حجر استمرار می‌یابد مگر مدعی افاقه، وقوع معامله را در زمان افاقه اثبات نماید. ازاین‌رو، فراز دوم ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی هم در این معنا ظهور دارد.

در دادنامه^{۲۳} صادره از شعبه چهل و دوم دیوان عالی کشور، دادگاه بدوی آن در دادنامه‌ای^{۲۴} درباره وضعیت معاملات مجنون ادواری چنین رای داده است: هرچند پزشکی قانونی فرد را مبتلا به جنون ادواری تشخیص داده و همچنین قبل از عقد حکم حجر وی صادر شده است ولیکن این که عقد در دوره عود جنون منعقد شده باشد، محرز نیست لذا بنا بر اصاله الصحه، اقتضاء عقد صحت آن است.

۲۱- ماده ۲۲۳ قانون مدنی

۲۲- شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۷۰۰۰۶۶۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۳

۲۳- شماره ۹۴۰۹۹۸۵۱۱۳۳۰۰۸۱۹ مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۲۷

۲۴- شماره ۱۲۵۲ مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۲۵

۴-۴- اعلام حجر و حکم حجر

با بررسی نظرات صاحب نظران و احکام صادره از رویه قضایی بدیهی است که اولین و مهم ترین گام در تعیین وضعیت معاملات مجنون ادواری وجود حکم حجر است. هیچ کس را بعد از رسیدن به سن بلوغ نمی توان به عنوان جنون محجور نمود، مگر جنون وی احراز شود.^{۲۵} لذا قبل از اثبات اسباب حجر، اصل بر عدم حجر اشخاص است. از این رو، مسلم شد در دعاوی معاملات مجنون در صورتی که جنون او نزد مقامات قضایی به اثبات نرسیده باشد اصل بر عدم آن است و شخص مدعی در دعوا ابتدا باید وجود جنون را به اثبات برساند. اما در صورت این که یکی از طرفین با استناد به حکم حجر تقاضای بطلان معامله را داشته باشد نیازی به اثبات نیست و اصل بر وجود جنون است. چرا که وجود حکم، اماره بر بطلان همه معاملات محجور است (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ۱۲۲).

بعد از صادر شدن حکم حجر مجانین اصل بر جنون آنها است چرا که در طی اخذ حکم برای شخص مجنون، جنون وی یک بار در نزد کارشناسان و مقام قضایی به اثبات رسیده است و شخص مدعی جنون با تکیه بر این حکم از اثبات دوباره جنون فارغ می شود. یکی از راه های صدور حکم حجر در مورد مجانین از طریق شخص دادستان صورت می گیرد. دادستان در مورد وضعیت شخص به خبره^{۲۶} رجوع و نظریات خبره را به دادگاه مدنی خاص ارسال کرده و در صورت اثبات جنون، شخص دادستان به دادگاه رجوع می کند تا نصب قیم شود.^{۲۷}

۵- تحلیل حقوقی وضعیت معاملات افراد فاقد اهلیت در انگلستان

در نظام حقوقی انگلستان، وضعیت حقوقی افرادی که به دلیل اختلالات ذهنی یا عصبی فاقد اهلیت هستند، موضوعی پیچیده است. این مبحث عمدتاً تحت تأثیر قانون ظرفیت ذهنی مصوب ۲۰۰۵

۲۵- ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی

۲۶- پزشکی قانونی

۲۷- ماده ۱۲۲۳ قانون مدنی

میلادی^{۲۸} و اصول حقوق عرفی^{۲۹} شکل گرفته است.

۱-۵- مفهوم اهلیت قراردادی

در حقوق انگلستان، اهلیت به معنای برخورداری از ظرفیت حقوقی^{۳۰} برای ایجاد تعهدات الزامآور است. فقدان اهلیت به معنای «ناتوانی فرد در درک ماهیت و پیامدهای معامله» تعریف می‌شود. برخلاف برخی نظام‌های حقوقی که وضعیت «جنون» را به صورت مطلق^{۳۱} دسته‌بندی می‌کنند، حقوق انگلستان رویکردی موقعیت‌محور^{۳۲} دارد. یعنی ممکن است فردی در یک لحظه برای انجام معامله‌ای خاص اهلیت داشته باشد و در همان روز برای معامله‌ای پیچیده‌تر، فاقد اهلیت تشخیص داده شود.

۲-۵- وضعیت معاملات مجنون ادواری

درخصوص این اشخاص رویه قضایی بر پایه دو رکن اصلی استوار است: اول- معیار درک: مطابق با رویه قضایی^{۳۳} در سال ۱۸۹۲ میلادی برای ابطال معامله، اثبات دو عامل ضروری است: فرد در زمان انعقاد قرارداد از نظر ذهنی چنان مختل بوده که ماهیت معامله را درک نمی‌کرده است. طرف مقابل قرارداد از این ناتوانی ذهنی آگاه بوده است. دوم- اثبات ادوار سلامت: چنان چه معامله در خلال «دوره سلامت ذهنی» منعقد شده باشد، قرارداد صحیح و الزامآور است. بار اثبات بر عهده شخصی است که ادعای فقدان اهلیت را مطرح می‌کند. اگر فرد پیش‌تر دارای سابقه اختلال ذهنی بوده باشد، بار اثبات سلامت ذهنی در لحظه انعقاد، به عهده طرفی است که مدعی صحت قرارداد است.

۳-۵- معیار تشخیص اهلیت در حقوق انگلستان

طبق قانون ظرفیت ذهنی مصوب ۲۰۰۵ میلادی، اصل بر اهلیت است. برای تشخیص عدم اهلیت، معیار

28- Mental Capacity Act

29- Common Law

30- Legal Capacity

۳۱- مجنون دائمی یا ادواری

32- Transaction-specific

33- Imperial Loan Co v Stone

چهارگانه‌ای در بخش سوم قانون مذکور لحاظ شده است. شخص زمانی «فاقد اهلیت» محسوب می‌شود که به دلیل یک اختلال ذهنی یا جسمی، قادر به انجام یکی از موارد ذیل نباشد: فهم اطلاعات: درک اطلاعاتی که برای اتخاذ تصمیم مربوطه لازم است. نگهداری اطلاعات: حفظ اطلاعات در حافظه برای مدت زمان کافی جهت تصمیم‌گیری. پردازش اطلاعات: استفاده از اطلاعات و سبک و سنگین کردن آن‌ها به‌عنوان بخشی از فرایند تصمیم‌گیری. ابراز تصمیم: برقراری ارتباط با هر وسیله‌ای^{۳۴} برای بیان تصمیم اتخاذ شده.

۵-۴- آثار حقوقی و اعتبار معاملات اشخاص فاقد اهلیت در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان، فقدان اهلیت ذهنی به‌خودی‌خود به معنای بی‌اعتباری مطلق همه معاملات شخص نیست. نظام حقوقی انگلستان میان حفظ ثبات معاملات از یک‌سو و حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر از سوی دیگر توازن برقرار می‌کند. از همین رو، اثر حقوقی فقدان اهلیت بسته به نوع معامله، موضوع آن، وضعیت آگاهی طرف مقابل و میزان سود یا زیان ناشی از قرارداد متفاوت است. این رویکرد را نمی‌توان با یک حکم کلی و مطلق توضیح داد؛ بلکه باید آن را در قالب مجموعه‌ای از قواعد پراکنده اما هماهنگ تحلیل کرد.^{۳۵}

در حقوق انگلستان، قرارداد منعقدۀ توسط فرد فاقد اهلیت معمولاً باطل تلقی نمی‌شود، بلکه در بسیاری از موارد قابل ابطال است؛ یعنی قرارداد فی‌نفسه منعقد شده و آثار اولیه خود را دارد، اما در صورت احراز شرایط قانونی می‌تواند توسط شخص فاقد اهلیت، نماینده او، یا در مواردی توسط دادگاه بی‌اثر شود. این تفاوت بسیار مهم است، زیرا میان «انکار وجود قرارداد از ابتدا» و «امکان برهم زدن آن پس از انعقاد» تفکیک می‌کند. دیوان خصوصی در پرونده‌ای^{۳۶} تصریح کرد که در معاملات مربوط به افراد دارای اختلال ذهنی، اگر طرف مقابل از ناتوانی شخص بی‌اطلاع باشد و معامله را با حسن نیت منعقد کرده باشد، دادگاه به‌سادگی قرارداد را باطل نمی‌کند. در این پرونده، تأکید بر این

۳۴- کلامی یا غیر کلامی

35- Hart v O'Connor, 1985

36- Hart v O'Connor

بود که حقوق قراردادهای نمی‌تواند صرفاً بر پایه وضعیت درونی و پنهان ذهنی یک طرف، امنیت معاملاتی طرف مقابل را نادیده بگیرد.

آثار حقوقی فقدان اهلیت با توجه به پیچیدگی معامله نیز تغییر می‌کند. در معاملات روزمره و ساده، دادگاه‌ها معمولاً سخت‌گیری کمتری در احراز فقدان اهلیت دارند؛ اما در معاملات مهم، مانند انتقال اموال غیرمنقول، ضمانت‌نامه‌های سنگین، یا واگذاری دارایی‌های اساسی، سطح مورد انتظار از درک و فهم فرد بالاتر می‌رود. این نکته در ادبیات حقوقی با یک ایده^{۳۷} بیان می‌شود؛ یعنی اهلیت نسبی و وابسته به نوع عمل حقوقی است، نه امری یکپارچه و ثابت. در پرونده ای^{۳۸}، دادگاه بیان کرد که هر چه موضوع معامله مهم‌تر و اثر آن شدیدتر باشد، سطح درک لازم نیز باید بالاتر باشد. این پرونده اگرچه در زمینه انتقال منافع و کالتی و تصمیمات مربوط به اموال مطرح شد، اما به‌خوبی نشان می‌دهد که ارزیابی اهلیت در حقوق انگلستان ماهیتی درجه‌بندی شده دارد.

در تحلیل حقوقی معاملات اشخاص فاقد اهلیت، وضعیت آگاهی طرف مقابل نقشی تعیین‌کننده دارد. در حقوق سنتی، اگر طرف معامله از فقدان اهلیت شخص آگاه باشد یا اوضاع و احوال به‌گونه‌ای باشد که علم یا سوءنیت او استنباط شود، امکان مداخله دادگاه و بی‌اثر کردن قرارداد افزایش می‌یابد. با این حال، در حقوق معاصر، آگاهی طرف مقابل بیشتر در تعیین عدالت قراردادی و امکان اعاده وضع به حال سابق اثر دارد تا در خود اصل انعقاد قرارداد. پرونده ای^{۳۹} در سال ۱۸۹۲ میلادی نشان می‌دهد برای بی‌اعتبار شدن معامله، صرف وجود اختلال ذهنی کافی نیست؛ بلکه باید نشان داده شود که در زمان انعقاد، شخص توان فهم ماهیت قرارداد را نداشته و وضعیت او برای طرف مقابل نیز قابل تشخیص بوده یا حداقل بر اساس اوضاع و احوال قابل استنباط بوده است.

در حقوق انگلستان، حسن نیت طرف مقابل نقش پررنگی در حفظ اعتبار قرارداد دارد. اگر شخصی معامله‌ای را با فردی منعقد کند که از نظر ذهنی دچار اختلال است، اما هیچ قرینه‌ای بر

37- decision-specific capacity

38- Re Beaney, 1978

39- Imperial Loan Co v Stone , 1892

آگاهی او از این وضعیت وجود نداشته باشد، دادگاه‌ها تمایل دارند قرارداد را حفظ کنند، مگر آن که آشکارا ناعادلانه باشد. این دیدگاه در پرونده ای^{۴۰} به وضوح منعکس شده است، جایی که دادگاه از ابطال آسان قرارداد پرهیز کرد تا اصل امنیت و قطعیت معاملات مخدوش نشود. به رغم فقدان اهلیت، قانون‌گذار جهت حمایت از نیازهای زیستی فرد، استثنایی قائل شده است. مطابق با بخش هفتم قانون فروش کالا مصوب ۱۹۷۹ میلادی^{۴۱}، هرگاه کالا یا خدماتی که برای وضعیت زندگی فرد ضروری محسوب می‌شود به وی تحویل گردد، وی ملزم به پرداخت قیمت معقول است. این قاعده نشان‌دهنده تعادل میان اصل حمایت از ناتوان و ممانعت از اجحاف به طرف مقابل در معاملات روزمره است. در برخی موارد، اگر معامله برای شخص فاقد اهلیت مفید و به صرفه بوده باشد، یا بعداً توسط او در دوره سلامت ذهنی تنفیذ شود، امکان حفظ اثر معامله وجود دارد. این نکته در منطق حقوقی کامن‌لا با این ایده سازگار است که فقدان اهلیت، فی‌نفسه معامله را بی‌اثر نمی‌کند، بلکه فقط آن را در معرض اعتراض قرار می‌دهد.

نتیجه

نظام حقوقی ایران در مواجهه با معاملات شخص مبتلا به جنون ادواری در دوران شک میان حالت جنون و افاقه، با نوعی دودستگی رویه‌ای روبرو است. برخی از محاکم با تکیه بر اصل استصحاب، وضعیت پیشین^{۴۲} را مبنای حکم قرار داده و معامله را باطل می‌دانند، مگر آن که طرف معامله اثبات کند که عقد در زمان افاقه و هوشیاری کامل منعقد شده است. در مقابل، برخی دیگر از آراء قضایی با استناد به اصل صحت معاملات، قرارداد را صحیح فرض می‌کنند و بطلان را تنها در صورتی می‌پذیرند که جنون حین عقد به طور قطع احراز شود. این دوگانگی ریشه در اختلاف مبانی فقهی

40- Hart v O'Connor

41- Sale of Goods Act, 1979

دارد: از یک سو، اصالت بقای حالت سابق^{۴۳} که به سمت باطل‌انگاری معاملات در حالت شک سوق می‌دهد و از سوی دیگر، اصله الصحه که جز در صورت اثبات فساد، قرارداد را معتبر می‌شمارد.

صدور حکم حجر پیش از انعقاد معامله، هرچند بار اثبات را به نفع مدعی بطلان جابه‌جا می‌کند، اما به تنهایی نمی‌تواند اختلاف رویه را رفع نماید. در عمل، حتی با وجود حکم حجر نیز برخی محاکم به اصل صحت تمسک می‌جویند. این وضعیت نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران فاقد یک قاعده شفاف و یکسان برای تعیین وضعیت معاملات مجنون ادواری در حالت شک است. در مقابل، نظام حقوقی انگلستان از رویکردی کاملاً پرونده‌محور پیروی می‌کند. در این نظام، دادگاه‌ها میان افراد مبتلا به جنون ادواری تمایز قائل می‌شوند و بدون استناد به یک اصل کلی و از پیش تعیین‌شده، وضعیت هر شخص را در لحظه انعقاد عقد با بهره‌گیری از گزارش‌های روانپزشکی و اوضاع و احوال خاص همان پرونده ارزیابی می‌کنند. در نتیجه، در انگلستان قاعده‌ای واحد و ثابت برای همه موارد وجود ندارد؛ بلکه هر پرونده به‌طور مستقل تصمیم‌گیری می‌شود و قراردادهای منعقد شده در این موارد در زمره «قراردادهای قابل ابطال» جای می‌گیرند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

فارسی

- اسدی، بهنام، ۱۳۹۷، تعارض اصل صحت با اصل استصحاب در فقه، فصلنامه قانون یار، شماره ۸.
- امامی، سیدحسن، ۱۴۰۴، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ چهل و دوم، تهران، انتشارات اسلامیه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۴۰۴، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهلیم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- سادوک، بنیامین جیمز؛ سادوک، ویرجینیا آلکوت؛ روئیز، پدرو، ۱۴۰۰، خلاصه روانپزشکی، ترجمه دکتر فرزین رضاعی، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات ارجمند.
- صفایی، سیدحسین و حسینی، سیداحسان، ۱۴۰۴، دوره مقدماتی حقوق مدنی اشخاص و اموال، چاپ سی و هفتم، تهران، انتشارات میزان.
- عوده، عبدالقادر، ۱۳۷۳، حقوق جنائی اسلام بر اساس مذاهب پنج گانه و مقایسه آن با حقوق عرفی، ترجمه اکبر غفوری، انتشارات آستان قدس رضوی.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۴۰۴، دوره مقدماتی حقوق مدنی اعمال حقوقی، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۴۰۴، قواعد فقه بخش مدنی، چاپ شصت و نهم، تهران، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.

عربی

- تهانوی، محمد اعلی بن علی، ۱۳۷۵، موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
- حلّی، جعفر بن حسن، ۱۳۶۷، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- حلّی، حسن بن یوسف، ۱۴۲۰ق، تحریر الأحکام الشرعیه علی مذهب اقامیه، قم، انتشارات مؤسسه اقامه الصادق.
- زحیلی، وهبه، ۱۴۰۹ق، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق، انتشارات دارالفکر.
- شمس الائمہ سرخسی، محمد بن احمد، ۱۴۰۶ق، المبسوط، بیروت، انتشارات دارالمعرفه.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۲۷ق، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم، انتشارات دارالتفسیر.
- طباطبائی، سیدعلی، ۱۴۱۸ق، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، قم، انتشارات مؤسسه آل البيت

لاحیاء التراث.

- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۰ق، **النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی**، بیروت، انتشارات دارالکتاب العربی.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، ۱۳۷۳، **کنز العرفان فی فقه القرآن**، قم، انتشارات مرتضوی.
- فاضل هندی، محمد بن حسن، ۱۴۰۵ق، **کشف اللثام**، قم، انتشارات کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- فخرالمحققین، محمد بن حسن، ۱۳۸۷ق، **ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد**، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، **الکافی**، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- مزنی، اسماعیل بن یحیی، ۱۴۱۹ق، **مختصر المزنّی فی فروع الشافعیه**، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیه.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۴۱۰ق، **الرسائل**، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
- نائینی، محمدحسین، ۱۳۷۶، **فوائد الاصول**، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- نجفی، محمدحسن، ۱۴۳۰ق، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، بیروت، انتشارات داراحیاء التراث العربی.

- Legal Effects Arising from the Opening of Letters of Credit on the Buyer and the Beneficiary
Homayoun Mafi, Mohsen Raeisi, Ahmadreza Amiri Larijani
- Examining the Potential for International Criminal Justice to Address Ecocide in the Context of Climate Change
Sobhan Tayebi, Majede Magholi
- Analyzing the Nature and Mechanism of Enforcing Decisions of the International Court of Justice with an Emphasis on the Court's Practice in Facing Legal Lacunae
Somayah Rahmanian, Pouria Ebrahimzadeh
- Prohibiting the Abuse of Emergency in the Iranian Legal System
Zeinab Ghaderi, Abdolmajid Yousefi, Sattar Fakhræi
- Comparative Study of the Automatic Termination Clause in Iranian Law and the Contract Avoidance Mechanism under the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods
Hakime Mahmood Soltani, Mahdi Sheikh Mahmoodi
- A Comparative Study of the Elements and Principles of Criminalizing Collusion to Commit a Crime in Iranian and French Criminal Law
Saber Sayyari Zohan
- Challenges of Electronic Documents in Iranian Law
Mohammadreza Abdi, Sasan Vazin Puor
- The Dual Role of Artificial Intelligence in Countering Misinformation and Deep Forgery: Challenges and Solutions
Atefeh Lorkijori, Seyed Ahmad Peyrovnaziri
- Legal Nature of the Foundational Condition in Imamiyya Jurisprudence and Iranian Law; Explaining the Bases of Its Validity and Its Scope in Civil Partnership Contracts
Seyyed Alireza Hosseini, Mohammadreza Rostami, Tahere Jafari
- A Jurisprudential Legal Study of the Status and Role of Wills of Intestate Persons in Determining the Disposition of Property After Death
Sayede Nazanin Mousavi
- Foundations, Conditions and Effects of Criminal Sentences in the Iranian Criminal System
Kamran Rahimi Sekkeh Ravani
- A Jurisprudential Study of the Invalidity of Transactions in the Law Requiring Official Registration of Immovable Property Transactions
Mahdi Rajaean, Jafar Ghajeh Beigloo
- Child and Adolescent Victimization in the Metaverse: a Review of Understanding Causes to Prevention and Countermeasures
Javad Cheraghi
- Analysis of the Supporting Roles of the Convention on the International Sale of Goods in Facilitating and Protecting International Trade
Esmaeil Chogani
- The Function of the Prosecutors Criminal Policy in the Prevention and Prosecution of Crimes Violating Public Rights
Vahid Kioumars
- Comparative Study of the Rule of Independence of Arbitration Clause in Iranian, French, English Law and the UNCITRAL Model Law; Theories and Practices
Saeed Johar
- the Legal Status of Transactions of Periodically Insane Persons in the Law of Iran and England
Amirmohammad Tavakoli, Setayesh Haj Rajabali Tehrani, Fatemeh Allahverdi, Amirreza Noghravi
- The Impact of Strict Laws on Drug-related Behaviors
Hamidreza Ghanaatian
- The Peaceful Role of Nuclear Energy in Iranian law and the International System with a New Approach
Mojahed Amiri, Fatemeh Asgharzadeh Shirazi
- The Impact of New Technologies, Smartification, and Digital Transformation on the Implementation of the Mandatory Registration Law
Negar Fouladi, Vajihe Mohseni
- Criminological Analysis of Smuggling of Goods in Hormozgan Province
Ahmad Padidar, Mohammad Kamali
- Smart Contract in the Iranian Legal System
Mahdi Salehi Zadeh
- Legal Challenges of E-Government and Government Civil Liability
Saeed Sardashti Birjandi
- the Principle of Impartiality of the Reason for Education in the Iranian Criminal Procedure
Mohammadhasan Malek Mohammadi
- Qualitative Analysis of the Foundations and Scope of Criminal Liability in the Commission of Crimes Caused by Restless Legs Syndrome: the Interaction of Neuromotor Disorder with the Elements of Fault and Attributability
Zahra Enalouy Esfahani
- The Relationship Between Rule and Exception in Iranian Civil Law with Emphasis on the Principle of the Binding Force of Contracts and Its Exceptions
Amirreza Alitabar
- Institutional Castling: Military Enlistment and Mass Incarceration in the United States
Bryan L. Sykes, Amy Kate Bailey, Yasser Shakeri